

## سیمای رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) در اشعار فارسی مصطفی بیگ کوردی

م.ی. عمر محمد سعید

بهشی زمانی فارسی - کۆلیژی زمان - زانکۆی سلیمانی - ههریمی کوردستان، عێراق

[Omer.saeed@univsul.edu.iq](mailto:Omer.saeed@univsul.edu.iq)

### پوخته

باسی بهردهست ئه نجامی توێژینهوه و تێپروانینیکه به شیعره فارسیهکانی موستهفا بهگی کوردی ساحیبقران دا، سهبارهت به ستایش و وینای پیغه مبهری پیشه و امان موحه مه د (درودی خوی له سه ر بیته) وه کو کۆتا پیغه مبه ر و کۆتایی هینه ر به په یامی ئاسمانی خوی گه وره بو کۆمه لگای مرۆڤایه تی، که به نمونه ی ئایه تی قورئان، فه رموده ی پیغه مبه ر، راو بو چونی ناودارانی غه یره موسو لمان و نمونه ی شیعره ی له شیعره فارسیهکانی کوردی دا باسکراوه و پیشکesh کراوه. شایه نی باسه شاعیر له شیعره فارسیه کانی باسی له شکل و شیوه و روخساری دهره وه ی پیغه مبه ر (درودی خوی لیبیت) نه کردوه، به لکو به شیوازیکی لیزانانه، زیره کانه و شاعیرانه هه ستاوه به وه سف، ستایشی گه وره یی که سایه تی مه عنه وه ی و پیشه وایه تی پیغه مبه ری ئازیز (درودی خوی له سه ر بیته) وه کو پیشه وایه و رزگار که ری گه وره ی جیهانی مرۆڤایه تی له ژبانی گرۆی ئاده میزاد، له م جیهانه و ژبانی دواروژ دا. هه روه ها شوینکه وتو یی و گوێپرایه لی کردنی پیغه مبه ری پیشه وایه (درودی خوی له سه ر بیته) به هۆکاری ره زامه ندی ولیخوشبونی خوا بو به نده کانی و رزگار بو نیان له ناخۆشی و سه ختی رۆژی دوا یی ده زانیته. وه توێژه ریش ته وایه ئه و خاله جوان و ئالتونیه ی شاعیری ناوبراوی له درێژه ی باسه که دا هینه وایه و خسته ویه تیه به ر باس و لیکۆلینه وه.

وشه سه ره کیه کان: ستایشی پیغه مبه ر (درودی خوی له سه ر بیته)، ئایه تی قورئان، فه رموده ی پیغه مبه ر، بو چونی ناودارانی غه یره موسو لمان، دیوانی کوردی.

### Abstract

The article presents Mustafa bag Sahebqran's attitude towards the prophet of Islam Muhammed. In his great Persian poems Sahebqran reveals his praise towards him in his poems. As the last apostle Sahebqran shows the prophet muhammed blessings of God and bunch of ( peace be upon him ) who manifests the message of heaven to the humanity. The poet in his poems praises the prophet and shows him as an acumen person who could bravely and wisely push humanity towards charity and morality. According to the poet he is the survival of humanity. The article as well shows all the good points of the poet.

Keywords: Praise of the Prophet (peace be upon him), Quranic verses, Prophetic traditions, Votes of elders, Poetry Court Kurdi.

### چکیده

مقاله حاضر حاصل نگرشی است به اشعار فارسی مصطفی بیگ کوردی صاحبقران<sup>۱</sup>، درباره ی ستایش و سیمای پیامبر اکرم؛ محمد(صلی الله علیه وسلم) مانند پیامبر خاتم و آوردن ختم پیام الله(سبحانه و تعالی) برای گروه آدمیان که با نمونه ی آیات قرانی، احادیث نبوی، آراء و نظرات بزرگان غیر مسلمان و نمونه شعری از اشعار فارسی کوردی ارائه شده است. ناگفته نماند شاعر در اشعار خویش به شکل و شمایل و ظاهر آن بزرگوار نپرداخته است، بلکه به طور استادانه و مهارت شاعری به بزرگی و ستایش شخصیت معنوی آن بزرگوار(صلی الله علیه وسلم) مانند یک نماینده و فریادرس بزرگ جهانی، عقیدتی و انسانی، در زندگی گروه آدمی در عالم حاضر و روز رستاخیز پرداخته است و فرمانبرداری و اطاعت کردن از آن بزرگوار(صلی الله علیه وسلم) را سبب خوشنودی و رضایت خداوند از بندگان و نجات یافتن آن ها از درد و محنت روز قیامت می داند. محقق نیز تمام آن نقاط زیبا و ریزبینی شاعر را مورد بررسی قرار داده است.

**واژه های کلیدی:** ستایش رسول(صلی الله علیه وسلم)، آیات قرآن، احادیث نبوی، آراء بزرگان غیر مسلمان، دیوان شعری کوردی.

### مقدمه

پیامبر اکرم؛ محمد مصطفی(صلی الله علیه وسلم) آخرین فرستاده الهی، خاتم النبیین؛ یکی از بزرگترین پیامبران اولولعظم، فرستاده الله(سبحانه و تعالی) بهترین خلیفه ی خداوند بر روی زمین برای رستگاری عالمیان است که بانگ توحید و نیکبختی انسان را در جهان هستی سرود؛ پیامبری که حقیقتی عینی و جاودانه است؛ آینه ی تمام نمای صفات حسنا ی حق، دارای مقام و منزلت والا نزد خداوند و بزرگترین و کریم ترین مخلوق که خداوند به عمر وی سوگند می خورد «لَعَفُؤُكَ...»(الحجر: ۷۲) «به جان تو سوگند...» و نور مطلق خداوند متعال بر عالم و آدم است. ذخیره ای تمام نشدنی و حقیقتی عینی و انسانی که شناخت ابعاد مختلف شخصیت و رسیدن به ابعاد سیره، سلوک و سنت او به جهاد و اجتهادی مستمر نیازمند است. پیامبر اکرم(صلی الله علیه وسلم) در تقدم در غایت و تأخیر در نبوت، همه لطایف اسرار انبیا و دارای تمام صفات آن ها است. مصطفی بیگ کوردی در اشعار فارسی خویش، حبیب الله(صلی الله علیه وسلم) را مظهر کمال و مورد عنایت و محبت خاص الله(سبحانه و تعالی) می داند. وی(صلی الله علیه وسلم) در تمام عمر پر برکت خویش از کودکی تا هنگامی که نزد رفیق الاعلی برگشت، نمونه و مظهر عالی ترین اخلاق، رفتار و گفتار بوده است. سنت و سیره آن حضرت برای عالمیان و به ویژه مسلمانان الگوی مقبولی است و لازم است بر ما، تمام خُرد و درشت های زندگی و وجودی ایشان را بشناسیم و از وی اطاعت کنیم. در این نوشتار سعی داریم به برخی از صفات و ویژگی های رسول اکرم(صلی الله علیه وسلم) در اشعار فارسی مصطفی بیگ کوردی بپردازیم.

۱) مصطفی فرزند محمود بیگ بن احمد بیگ صاحبقران ملقب به کوردی، یکی از شاعران بزرگ، سخندان، فصاحت گو و نامدار کورد(متولد ۱۸۰۹-۱۸۱۲ میلادی و وفات ۱۸۴۹-۱۸۵۱ میلادی) که در شهر سلیمانیه دیده به جهان گشود و در همان شهر نیز دیده از جهان فروبست. (سجادی، عبدالحمید، ۱۳۷۵: ۶۵۹)

### سوالات تحقیق

پژوهشگر در مقاله حاضر خواستار این است با بررسی و تحلیل اشعار فارسی مصطفی بیگ کوردی صاحبقران، به سوالات زیر پاسخ دهد:

- ستایش و عظمت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) شامل چه نام و صفاتی است، کوردی در اشعار فارسی خویش چگونه به وصف آن پرداخته است؟

- شیوه های ستایش و سیمای رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) در اشعار فارسی مصطفی بیگ کوردی چگونه است؟ آیا شاعر به کدام یک از جنبه های برجسته و معنوی شخصیت آن بزرگوار (صلی الله علیه وسلم) پرداخته است؟ - جایگاه، پایگاه و مقام رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در افکار و اشعار نویسندگان و شاعران اسلامی و غیر اسلامی، همچمین شاعران کورد؛ به ویژه شاعر مذکور، در چه مقام و منزلتی است و چگونه رونق گرفته است؟

### اهمیت و ضرورت تحقیق

نیازمندی ها سبب و علت ایجاد اهمیت و ضرورت هرچیزی است. چنانچه درباره ی بزرگی و صیت شخصیت اعلا ی رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) بحث شد، یکی از بزرگترین شخصیت های عالمی، نزد خداوند و آدمیان است. شهرت و آوازه ی او (صلی الله علیه وسلم) تمام مرزها را پاس کرده و از لحاظ ادبی نیز تمام کرانه های ادبیات جهان، بالخصوص ادبیات جهان اسلامی را فراگرفته است. ادبیات کوردی نیز مانند یکی از شاخه های پر برگ ادبیات زنده ی جهان، از ستایش و صفات بلند آوازه ی آن بزرگوار (صلی الله علیه وسلم) خالی نیست و پرتوی آن افکار و اشعار بسیاری از شاعران کورد؛ به ویژه مصطفی بیگ کوردی را فرا گرفته است، که یکی از شاعران نامی و بزرگ ادبیات کوردی است. پس هدف از پرداختن به چنین کاری این است که شاعر مذکور در دیوان شعری خود، بالخصوص اشعار فارسی اش به صفات و ستایش رسول الله (صلی الله علیه وسلم) مانند یک شخصیت عظیم و مسبب رستگاری و نجات دهنده ی آدمیان در این جهان و جهان باقی پرداخته است. اما تا الان تحقیقی در این مورد درباره اش انجام داده نشده است، درحالیکه برای مخاطبین، خوانندگان، دوستداران شاعر مذکور و ادبیات کوردی، غنیمت بزرگی است و نقش ایفایی دارد.

### پیشینه ی پژوهش

درباره ی اصل کار در این پژوهش، تا الان در مورد ستایش و سیمای رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) در اشعار فارسی کوردی صاحبقران پژوهشی انجام داده نشده است، در حالیکه مصطفی بیگ کوردی هفت بند شعر فارسی را اختصاص داده به نعت و اوصاف رسول الله (صلی الله علیه وسلم) و خود کوردی فردی دیندار، مذهبی و پیامبر دوست بوده است. اما درین جا اشاره می کنیم به چند تصحیح و کتابهایی که درباره اشعار شاعر مذکور نوشته شده است: - مصطفی همه بور شرح و توضیحاتی را بر دیوان شاعر مذکور نوشته است که در ضمن اشعار کوردی به شرح اشعار فارسی اش نیز پرداخته است.

- در کتاب "گولزار کوردستان" تالیف ملا صالح شیخی، چند قطعه شعری که به قالب مخمس و به زبان کوردی نوشته شده است را از مصطفی بیگ کوردی آورده است که مضمون آن مناجات با خداوند است. - در کتاب شاعران کرد پارسی گوی-نشر احسان- که سید عبدالحمید سجادی آن را نوشته است، زندگی نامه شاعران کورد زبان را با نمونه هایی از شعر فارسی ایشان جمع آوری کرده است و در ضمن آن زندگی نامه مصطفی بیگ کوردی را نیز با نمونه های شعر فارسیش آورده است.

-محمد مصطفی نیز به تصحیح دیوان کوردی پرداخته است که در قسمت شعر فارسی آن، شرح و معنی بعضی از کلمات فارسی و دشوار را در زیرنویس دیوان مذکور، نوشته است.

### شیوه ی پژوهش

شیوه ی پژوهش در این مقاله شامل جمع آوری مطالب و روش تحقیق در آن، از نوع کتابخانه ای و تجزیه و تحلیل محتوا و ابزار گردآوری اطلاعات نیز فیش برداری است. برای ترجمه ی آیات قرآنی از تفسیر و ترجمه ی قرآن الهی قمشه ایی استفاده شده است.

### بحث و بررسی

در این بخش از مقاله ابتدا به معرفی نام و صفات رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می پردازیم. اما اولین و کامل ترین صفات و اسامی نیک درباره ی آن بزرگوار (صلی الله علیه وسلم)، در گفتار خداوند است، که در نخست نام و صفات رسول الله (صلی الله علیه وسلم) را با نمونه هایی از آیه های قرآن کریم می آوریم و معرفی می کنیم. سپس نام و صفات وی (صلی الله علیه وسلم) را با نمونه های احادیث نبوی و نظر محققان، مخالفان اعتقاد دینی، فکری و غربیان را نیز درباره اش ارائه داده ایم. آشکار می شود که تا چه حدی مورد قبول و تایید آن ها نیز می باشد و آن بزرگوار (صلی الله علیه وسلم) را صاحب کمال انسانی و دینی می شمارند. نیز به اطاعه ی رسول الله (صلی الله علیه وسلم) و فرمانبرداری از وی و خداوند متعال، مشروط بر اینکه حق تعالی به این شیوه از اطاعت کردن راضی باشد، چنانچه در بسیاری از سوره های قرآن به (...اطیع الله و اطیع الرسول...) اشاره فرموده است. سپس در بخش اصلی پژوهش به صفات و سیمای رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) در اشعار فارسی مصطفی بیگ کوردی پرداخته ایم.

### ۱) نامها و صفات رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) در قرآن کریم:

مصطفی بیگ کوردی صاحبقران که یکی از شاعران بلند آوازه و مشهور کورد است در شش بند شعر که به فارسی سروده است، به اوصاف و سیمای رسول اکرم محمد (صلی الله علیه وسلم) پرداخته است و آن بزرگوار را به طرز زیبایی وصف نموده است. نگارنده نیز در مقاله ی حاضر به تحقیق آن پرداخته است. قبل از اینکه داخل اشعار کوردی شویم؛ لازم است نگرش مختصری را به کتاب الله (قرآن کریم) و اقوال خود آن رسول داشته باشیم چونکه تصور و نگاه کوردی نیز بر همان منبع الهی است. اسما، صفات و القاب شریفه آن بزرگوار (صلی الله علیه وسلم) بر دو قسم است، اول صفات و نامهایی که در قرآن کریم از وی ذکر شده، دوم القاب و صفاتی که در اخبار و احادیث راجع به آن جناب رسیده است، اینک نامهای گرامی او که در قرآن آمده است: نام های پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) در نزد خداوند دارای مقامی با عظمت است و بر دیگر پیامبران الهی برتری دارد. اسم مبارک پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در قرآن کریم پنج بار آمده است که یک بار با نام احمد و چهار بار با نام محمد (صلی الله علیه وسلم) آمده است که در آیات زیر می باشند. «و مَبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ» (الصف: ۶)

«و بشارت دهند به رسولی که بعد از من می آید و نام او احمد است».

عیسابوو (مبشر) به عه لاماتی (محمد) (احمد) له قه بی فه خره له ئایاتی مه حه ببه ت<sup>۲</sup>

(نامی)

۲ (ترجمه: عیسی بود بشارت داد به علامات و ظهور محمد (صلی الله علیه وسلم)، احمد لقب فخر است در آیات محبت).

«...وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ...» (آل عمران: ۱۴۴) «محمد فقط فرستاده خداست». «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ...» (الاحزاب: ۴۰) «محمد پدر هیچ يك از مردان شما نیست...». «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ» (محمد: ۲) «و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و به آنچه بر محمد نازل شده ایمان آوردند». «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ...» (الفتح: ۲۹) «محمد فرستاده خداست...».

"محمد"، "احمد" و "محمود" که وی را خالقش بستود ازو شد جود هر موجود و زو شد دیدها بینا (گوژاری کوردستان، جامی)

اما صفات محبوب (صلی الله علیه وسلم) در قرآن کریم به معانی مختلف آمده است که عبارتند از: **اول المسلمین:** «قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ\* لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوْلُ الْمُسْلِمِينَ» (الانعام: ۱۶۲، ۱۶۳) «بگو: همانا نماز و طاعت و تمام اعمال من و حیات و ممات من همه برای خداست که پروردگار جهانیان است. که او را شریک نیست و به همین (اخلاص کامل) مرا فرمان داده‌اند و من اول کسی هستم که تسلیم امر خدایم». **اول المؤمنین:** «إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ» (الشعراء: ۵۱) «ما امیدواریم که پروردگاران گناهانمان را بر ما ببخشد [چرا] که نخستین ایمان آورندگان بودیم». **اول العابدین:** «قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوْلُ الْعَابِدِينَ» (الزخرف: ۸۱) «بگو: اگر خدا را فرزندی داشت اول من او را می‌پرستیدم». **برهان:** «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا» (النساء: ۱۷۴) «ای مردم در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستاده ایم». **بشیر:** «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سباء: ۲۸) «و ما تو را جز [به سمت] بشارتگر و هشدار دهنده برای تمام مردم نفرستادیم لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند». **خاتم النبیین:** «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّنْ رِّجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ» (الاحزاب: ۴۰) «محمد پدر هیچ يك از مردان شما نیست ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است».

تو باشی اشرف عالم تو باشی مبدا و خاتم تو باشی ملجا بنی آدم چه در دنیا و چه در عقبا

(طاهر بیگ جاف)

نه‌نگوشت نومای خاتمه‌میم فه‌خری ریساله‌ت نه‌جمی که تیفی مؤری موحه‌ششایی موحه‌مه‌د<sup>۳</sup>

(حمدی)

**داعياً الى الله:** وَدَاعِيَا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَسِرَاجًا مُّبِينًا» (الاحزاب: ۴۶) «و به اذن حق (خلق را) به سوی خدا دعوت کنی و (در این شب ظلمانی جهان) چراغ فروزان عالم باشی». **زیباترین اخلاق:** «... وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (القلم: ۴) «و راستی که تو را خوبی والاست». **رحمة للعالمین:** «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (الانبياء: ۱۰۷) «و (ای رسول) ما تو را نفرستادیم مگر آنکه رحمت برای اهل عالم باشی». **رحیم:** «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ» (التوبه: ۱۲۸) «همانا رسولی از جنس شما برای (هدایت) شما آمد که فقر و پریشانی و جهل و فلاکت شما بر او سخت می‌آید و بر (آسایش و نجات) شما بسیار حریص و به مؤمنان رئوف و مهربان است». **رسول:** «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ» (آل عمران: ۱۴۴) «محمد (صلی الله علیه وسلم) جز یک پیامبر نیست که پیش از او نیز پیغمبرانی بودند و درگذشتند». **رسول الله:** «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (الفتح: ۲۹) «محمد (صلی الله علیه وسلم) فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کافران بسیار قویدل و سخت و با یکدیگر بسیار مشفق و مهربانند». **رسول مبین:** «بَلْ مَثَعَتْهُؤُلَاءِ وَأَبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ

۳ (ترجمه: انگشت نمای خاتمه‌میم؛ فخر رسالت. ستاره (مهر نبوت) پشت و شانه اش؛ مهر محشای محمد).

مُبِينٌ» (الزخرف: ۲۹) «(و من تعجیل در عقوبت نکردم) بلکه آنان و پدرانشان را (مهلت داده و از عمر) بهره‌مند کردم تا آنکه دین حق و رسول مبین بر آنها آمد». رسول کریم: «إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ» (الحاقه: ۴۰) «که قرآن به حقیقت (وحی خدا و) کلام رسول بزرگواری است». رسول امین: «أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِيَّائِي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ» (الدخان: ۱۸) «(او گفت) که (ای فرعونیان) امر بندگان خدا را به من واگذارید، که من بر شما به یقین رسول امین پروردگارم». رؤوف: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ» (التوبه: ۱۲۸) «همانا رسولی از جنس شما برای (هدایت) شما آمد که فقر و پریشانی و جهل و فلاکت شما بر او سخت می‌آید و بر (آسایش و نجات) شما بسیار حریص و به مؤمنان رؤوف و مهربان است». سراج منیر: «وَدَاعِيَا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا» (الاحزاب: ۴۶) «و دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغی تابناک». شاهد: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» (الاحزاب: ۴۵) «ای پیامبر (گرامی) ما تو را به رسالت فرستادیم تا (بر نیک و بد خلق) گواه باشی و (خوبان را به رحمت الهی) مژده دهی و (بدان را از عذاب خدا) بترسانی». شهید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (البقره: ۱۴۳) «و ما همچنان شما (مسلمین) را به آیین اسلام هدایت کردیم و به سیرت نیکو بیاراستیم تا گواه مردم باشید و پیغمبر نیز گواه شما باشد (تا شما از وی بیاموزید)». صاحب: «مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى» (النجم: ۲) «[که] یار شما نه گمراه شده و نه در نادانی مانده». طه: «طه (۱) مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى (۲) إِلَّا تَذَكُّرًا لِّمَنْ يَخْشَى (۳)» (طه: ۱ تا ۳) «طه (ای مشتاق حق و هادی خلق). ما قرآن را از آن بر تو نازل نکردیم که (از کثرت عبادت خدا و جهد و کوشش در هدایت خلق) خویشتن را به رنج درافکنی. تنها غرض از نزول قرآن آن است که مردم خداترس را متذکر و بیدار سازی». عبدالله: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (الاسراء: ۱) «پاک و منزّه است خدایی که در (مبارک) شبی بنده خود (محمد) را از مسجد حرام (مکه معظمه) به مسجد اقصایی که پیرامونش را مبارک و پر نعمت ساختیم سیر داد تا آیات و اسرار غیب خود را به او بنماییم که او (خدا) به حقیقت شنوا و بیناست». مبشر: «و بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَّلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» (الاسراء: ۱۰۵) «و ما این آیات (قرآن عظیم) را به حق فرستادیم و به حق و راستی هم نازل شد، و نفرستادیم تو را جز برای آنکه بشارت دهی و بترسانی». مدثر: «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ (۱) قُمْ فَأَنْذِرْ (۲) وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ (۳) وَتِيَابِكَ فَطَهِّرْ (۴)» (المدثر: ۱ تا ۴) «الا ای رسولی که خود را به لباس (حیرت و فکرت) در پیچیده‌ای. برخیز و به اندرز و پند، خلق را خدا ترس گردان و خدایت را به بزرگی و کبریایی یاد کن». مذکر: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ» (الغاشیه: ۲۱) «پس خلق را (به حکمت‌های الهی) متذکر ساز که وظیفه پیغمبری تو غیر از این نیست». زممل: «يَا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ (۱) قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا (۲)» (المزمل: ۲ و ۱) «الا ای رسولی که در جامه (فکرت و خاموشی) خفته‌ای. (هان) شب را (به نماز و طاعت خدا) برخیز مگر کمی». منذر: «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (الرعد: ۷) «و باز کافران (به طعنه) می‌گویند که چرا از خدایش بر او آیت و معجزه‌ای فرستاده نشد؟ (باید بدانند که) تنها وظیفه تو اندرز و ترسانیدن (خلق از نافرمانی خدا) است و هر قومی را (از طرف خدا) رهنمایی است». ناصح امین: «أَبْلَغَكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ» (الاعراف: ۶۸) «پیغام خدایم را به شما می‌رسانم و من برای شما ناصح و خیرخواهی امینم». النبی (یا ایها النبی) «خطاب "یا ایها النبی" به علم رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) به اسرار تحلیل و تحریم اشاره دارد». (قاسمی، ۱۴۱۸: ۲۶۶/۹؛ طنطاوی، ۱۹۹۸: ۴۶۸/۱۴) «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (الاحزاب: ۱) «ای پیغمبر (گرامی) همیشه خدا ترس و پرهیزکار باش و هرگز تابع رأی کافران و منافقان مباش که همانا خدا دانا و حکیم است». همچنین صفت یا ایها النبی در سوره های (الاحزاب: ۲۸،

٤٥، ٥٩)، (الانفال: ٦٥، ٧٠)، (الطلاق: ١)، (التحریم: ١)، (التوبه: ٧٣)، (الممتحنه: ١٢) همراه با موضوعات مختلف آمده است. **النبي الامی:** «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمَّا مَن بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبَعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (الاعراف: ١٥٨) «ای رسول ما به خلق) بگو که من بر همه شما جنس بشر رسول خدایم، آن خدایی که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست، هیچ خدایی جز او نیست که زنده می‌کند و می‌میراند، پس باید ایمان به خدا آرید و هم به رسول او پیغمبر امی (که از هیچ کس جز خدا تعلیم نگرفته) آن پیغمبری که بس به خدا و سخنان او ایمان دارد، و پیرو او شوید، باشد که هدایت یابید». **رسول (یا ایها الرسول):** «خطاب "یا ایها الرسول" اشاره است به اینکه رسول بودن آن حضرت، دلیل وجوب عمل به دستورات تبلیغی اوست» (قاسمی، ١٤١٨: ١٩٢/٤) «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزَنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ...» (المائدة: ٤١) «ای پیغمبر، غمگین مباش از آنان که به زبان اظهار ایمان کنند و به دل ایمان ندارند و به راه کفر شتابند...». «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» (المائدة: ٦٧) «ای پیغمبر، آنچه از خدا بر تو نازل شد (به خلق) برسان». **نذیر:** «...إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ» (هود: ١٢) «...که وظیفه تو تنها نصیحت و اندرز خلق است، و حاکم و نگهبان هر چیز خداست». **نذیر مبین:** «...قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ» (العنکبوت: ٥٠) «و بگو: آیات نزد خدا (و به امر خدا) است، من (که رسولم) جز آنکه (خلق را از انتقام خدا) بترسانم وظیفه ندارم». **ولی:** «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ زَاكِيُونَ» (المائدة: ٥٥) «ولی امر و یاور شما تنها خدا و رسول و مؤمنانی خواهند بود که نماز به پا داشته و به فقرا در حال رکوع زکات می‌دهند». **یس (یا سین):** «یس (١) یس (ای سید رسولان و ای کاملترین انسان) وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ (٢) قسم به قرآن حکمت بیان» (یس: ٢١) **مرسل:** «إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (٣) عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (٤)» (یس: ٣ و ٤) «که تو البته از پیامبران خدایی که به راهی راست فرستاده شدی».

## ٢) اطاعت کردن از رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم):

الله سبحانه و تعالی در قرآن کریم صفات و ستایش رسول الله (صلی الله علیه وسلم) را همراه با نام خود آورده است.

خو ناوی کردوی به هاوناوی خوئی      مایه‌ی بلندی ناوی خودا توئی<sup>٤</sup>

(محمدی خال)

و اطاعت کردن بنده از او (صلی الله علیه وسلم) را همراه با اطاعت خود قرار داده است که مایه‌ی خوشنودی و رضای خداوند است برای بندگان، آنها با پیامبران و راستگویان محشور خواهند شد. اما اطاعت نکردن و دشمنی با وی (صلی الله علیه وسلم) را مایه‌ی قهر خود دانسته است و آنان را مجازات خواهد کرد و عمل بنده را باطل شمرده است. پس بر ما است که از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) اطاعت کنیم و احترام وی، اقوالش را نگهداریم. صدای خود را بر صدا، اقوال وی بلند نکنیم و ایشان را از خود و پدر و مادر و دارایی، بیشتر دوست داشته باشیم. در بسیاری از آیه‌های قرآن کریم با **"اطیع الله و اطیع الرسول"** امر فرموده است. چنانکه در آیه‌های زیر آورده می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ» (محمد: ٣٣) «ای اهل ایمان، خدا را اطاعت کنید و رسول او را اطاعت کنید و اعمال خود را ضایع و باطل نگردانید». «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (الانعام: ١٥٣) «این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از

٤ (ترجمه: {ای رسول خدا} خداوند نام تو را همراه نام خود قرار داده است. تو مایه‌ی بلندی نام خدا هستی).

راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می‌سازد! این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید! «تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (الصف: ۱۱) «به خدا و رسول او ایمان آرید و به مال و جان در راه خدا جهاد کنید، که این کار (از هر تجارت) اگر دانا باشید برای شما بهتر است». «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ» (آل عمران: ۳۲) «بگو: فرمان خدا و رسول را اطاعت کنید و اگر (از آنان) روی گردانید (و کافر شوید) همانا خدا هرگز کافران را دوست ندارد». «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (آل عمران: ۱۳۲) «و از خدا و رسول او فرمان برید، باشد که مشمول لطف و رحمت خدا شوید». «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَنِ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (النساء: ۶۹) «و آنان که اطاعت خدا و رسول کنند البته با کسانی که خدا به آن‌ها لطف فرموده یعنی با پیغمبران و صدیقان و شهیدان و نیکوکاران محشور خواهند شد، و اینان نیکو رفیقانی هستند». «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ خَفِيضًا» (النساء: ۸۰) «هر که رسول را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده، و هر که مخالفت کند (کیفر مخالفتش با خداست و) ما تو را به نگهبانی آنها نفرستاده‌ایم». «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (المائدة: ۵۶) «و هر کس که خدا و رسول و اهل ایمان را ولی و فرمانروای خود داند (فیروز است) که تنها لشکر خدا فاتح و غالب خواهد بود». «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَفُوا أَنْمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (المائدة: ۹۲) «و خدا و رسول خدا را اطاعت کنید و بترسید، که هر گاه روی (از طاعت خدا) بگردانید پس بدانید که بر رسول ما جز آنکه به آشکار حکم خدا را ابلاغ کند تکلیفی نخواهد بود». همچنین اطاعت کردن از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در سوره های: (الانفال: ۱۳، ۲۰، ۲۴، ۲۷، ۴۶، ۶۴، ۷۱)، (التوبه: ۴۳، ۷۱)، (النور: ۵۲، ۵۴، ۵۶، ۶۲)، (الاحزاب: ۲۲، ۲۹، ۳۱، ۳۳، ۳۶)، (الفتح: ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۷)، (الحجرات: ۱، ۲، ۳، ۵، ۷، ۱۴، ۱۵)، (الحديد: ۷، ۸، ۱۹، ۲۱، ۲۸)، (المجادله: ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۲، ۱۳، ۲۰)، (الحشر: ۴، ۷، ۸)، (التغابن: ۸، ۱۲) نیز پیرامون موضوعات مختلف آمده است. بنابر آیاتی که در مورد اطاعت کردن از خداوند متعال و رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) آورده شد درمیابیم که مقام رسول الله (صلی الله علیه وسلم) نزد خداوند آن قدر والاست که آفریدگار هستی و تمامی فرشتگان بر او درود می فرستند و خداوند به همه مؤمنان دستور می دهد که آنها هم بر پیامبر (صلی الله علیه وسلم) درود بفرستند: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (الاحزاب: ۵۶) «خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده اید! بر او درود بفرستید و سلام گوید و تسلیم فرمانش باشید». چنانکه ملا صالح شیخی در کتاب گولزار کوردستان دو بیت زیر را از شاه نعمت الله ولی و پیرمرد شاعر در این مورد آورده است.

دل خود را منور کن جهانی را معطر کن      دهن پر شهد و شکر کن بگو صلوات پیغمبر

(شاه نعمت الله ولی)

نهو نورهی دیاره له دیدارت دا<sup>ه</sup>

خوا سلاواتی له دیدارت دا

(پیره میبرد)

<sup>ه</sup> (ترجمه: ای رسول الله (صلی الله علیه وسلم) خداوند صلوات را بر شما فرستاد، نور آن صلوات بر دیدارت (رخسارت) آشکار است).

**۳) نام، صفات و فضائل رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در احادیث نبوی:**

هر چند که مؤلفین اسلامی نام و صفات زیادی را برای رسول الله (صلی الله علیه وسلم) مؤلفاتشان نقل کردند اما آنچه که در احادیث نبوی ثبت شده، عبارتند از: (محمد، احمد، الماحی، الحاشر، المقفی، العاقب، النبی التوبه و نبی الرحمة) است. هردو امام محدث بزرگ اسلامی؛ مسلم و بخاری از جبیر بن مطعم نقل می کنند که جبیر می گوید: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لِي حَمْسَةٌ أَسْمَاءٍ: أَنَا مُحَمَّدٌ، وَأَخِي مُحَمَّدٌ، وَأَنَا الْمَاحِي الَّذِي يَمْحُو اللَّهُ بِكَ الْكُفْرَ، وَأَنَا الْحَاشِرُ الَّذِي يُخَشِّرُ النَّاسَ عَلَى قَدَمِي، وَأَنَا الْعَاقِبُ» (متفق عليه)؛ (بخاری: ۴۸۹۶) و (مسلم: ۲۳۵۴ و ۲۳۵۵) «رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: من پنج نام دارم: محمد، احمد، ماحی یعنی کسی که الله به وسیله او کفر را از بین می برد و حاشر یعنی کسی که مردم بعد از او حشر می شوند و عاقب (خاتم پیامبران)». مسلم از ابو موسی اشعری نیز نقل می کند که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُسَمِّي لَنَا نَفْسَهُ أَسْمَاءً فَقَالَ: أَنَا مُحَمَّدٌ، وَأَخِي مُحَمَّدٌ، وَالْمَقْفِيُّ، وَالْحَاشِرُ، وَنَبِيُّ التَّوْبَةِ، وَنَبِيُّ الرَّحْمَةِ» (مسلم: ۲۳۵۵) «رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: نامهای من عبارتند از: محمد، احمد، المقفی، الحاشر: حاشر یعنی کسی که مردم بعد از او حشر می شوند، النبی التوبه: یعنی پیامبر توبه و استغفار و النبی الرحمة: پیامبر رحمت برای جهانیان) رحمت و بزرگی رسول الله (صلی الله علیه وسلم) تنها در این جهان نیست و بلکه در روز قیامت نیز با اجازه ی الله (سبحانه و تعالی) فریاد رس و مشفع امت خویش و تمام امتهای قبل از خویش نیز هست. قرآن کریم با صراحت اعلام می دارد. «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ» (بقره: ۲۵۵) «چه کسی است که بدون اجازه او نزد او سفارش کند» و در جایی دیگر می فرماید. «...وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى...» (الأنبياء: ۲۸) «...و جز برای کسی که [خدا] رضایت دهد شفاعت نمی کنند...» در احادیث نبوی نیز آمده است که می فرماید: من سید و بزرگ نوه های آدم هستم و آخرین پیامبر خدا بر روی زمین می باشم و اولین کسی که در روز قیامت از زمین بیرون می آید و زنده می شود من هستم و در روز قیامت بیشتر انبیا اتباع من هستند و اولین کسی که درب بهشت برایش والا می شود من هستم. من شفیع بهشتیان می باشم. قال رسول الله (صلی الله علیه وسلم) «انا اكثر الانبياء تبعا يوم القيامة، و انا اول من يقرع باب الجنة» (مسلم: ۱۹۶). «آتی باب الجنة يوم القيامة فأستفتح فيقول الخازن: من أنت؟ فأقول: محمد فيقول: بك أمرت أن لا أفتح لأحد قبلك» (مسلم: ۱۹۷) ابو هريره (رضی الله عنه) می فرماید: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «أَنَا سَيِّدُ وَلَدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَأَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرُ، وَأَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشَفِّعٍ» (الترمذی: ۳۶۱۵) «ان مثلی و مثل الانبياء قبلی، کمثل رجل بنی بنیانا فاحسنه و اجمله، الا موضع لبنة من زاوية من زوايا، فجعل الناس يطوفون به و يعجبون له، و يقولون: هلا وضعت هذه البنة؟! قال: فإنه البنة، وانا خاتم النبيين» (البخاري في كتاب المناقب: ۳۵۳۵) و (مسلم: ۲۲۸۶). همچنین الله متعال با دادن ویژگی هایی به رسول الله (صلی الله علیه وسلم) ایشان را از سایر پیامبران متمایز نموده است؛ و ایشان را با ستایش هایی که در میان پیامبران دیگر نبوده، متفاوت نموده است. به این ترتیب و به برکت این پیامبر گرامی، بخشی از این فضایل و مکارم شامل امت محمدی شده است. از جمله مواردی که در این حدیث ذکر شده اند پنج ویژگی ارزشمند است. از جابر بن عبدالله (رضی الله عنهما) روایت است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «أُعْطِيَتْ حَمْسًا لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي: نُصِرْتُ بِالرُّعْبِ مَسِيرَةَ شَهْرٍ وَجُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَظَهْرًا فَأَيُّمَا رَجُلٍ مِنْ أُمَّتِي أَدْرَكْتُهُ الصَّلَاةَ فَلْيُصَلِّ، وَأَجَلْتُ لِي الْمَعَانِمَ وَلَمْ تَجَلْ لِأَحَدٍ قَبْلِي، وَأُعْطِيَتْ الشَّقَاعَةُ، وَكَانَ النَّبِيُّ يُبْعَثُ إِلَى قَوْمِهِ خَاصَّةً، وَبُعِثْتُ إِلَى النَّاسِ عَامَّةً» (متفق عليه) «پنج چیز به من عطا شده که پیش از من به هیچ پیامبری داده نشده است: از مسافت یک ماه، دشمنانم دچار ترس و وحشت می شوند؛ و زمین برای من مسجد و پاک گردیده است. بنابراین هر کجا وقت نماز فرارسید، اتمم می توانند همانجا نماز بخوانند. مال غنیمت برای من حلال شده است درحالی که قبل از من، برای

هیچ پیامبری حلال نبوده است. حق شفاعت به من عنایت شده است. هر پیامبری فقط برای قوم خودش فرستاده شده است درحالی که من برای تمام مردم دنیا مبعوث شده ام»

#### ۴) نعت رسول اکرم(صلی الله علیه وسلم) توسط غیر مسلمانان و غریبان:

البته بسیاری از آن هایی که در مورد نعت رسول اکرم(صلی الله علیه وسلم) بهترین گفتند. اما در این بخش، پژوهشگر تنها تفکر و نظر چهار نفر از رجال مشهور غیر مسلمان جهان، از چهار ملت، کشور، زبان و ادیان مختلف جهان را آورده است، که هر یک از آن ها نظر خود را در مورد سفیر رحمة للعالمین(صلی الله علیه وسلم) و سید و بزرگ ثقلین(انس و جن) با آزادی بیان گفتند. یکی از آن ها؛ ماهماتا گاندی، متولد ۱۸۶۹-۱۹۴۸ مفکر و رهبر سیاسی و معنوی هندیان است که در نعت رسول الله(صلی الله علیه وسلم) می گوید: «خواستم صفات آن انسان را بشناسم که بدون تفرقه قلب ملیون ها انسان را به خود جلب کرده بود، بدون شک هرگز شمشیر، اسلام را به این درجه نرسانده است... بلکه رسیدنش به این درجه به سبب؛ سادگی، با دقتی، صداقت، هنرمندی، دلسوزی و شجاعت "محمد"(صلی الله علیه وسلم) بود... این ها اسلام را بدین درجه رساندند نه شمشیر». (پشتیوان کاکل، ۲۰۰۷: ۹) یکی دیگر از آن کسانی که از لحاظ دینی، و مذهبی، فکری، عقیدتی و ملی با رسول الله(صلی الله علیه وسلم) مخالف است؛ مایکل هارت، متولد ۱۹۳۲ فیزیکدان یهودی آمریکایی است که درباره ی وصف و بزرگی آن بزرگوار(صلی الله علیه وسلم) می گوید: «اولین کسی که در میان بزرگترین مردان تاریخ انتخاب کنم "محمد"(صلی الله علیه وسلم) است، که بعضی هارا متحیر می کند. تنها مرد تاریخی ای بود که از لحاظ دینی و دنیوی به بهترین صورت به موفقیت رسید. وی بزرگترین دین را در جهان تاسیس کرد و گسترش داد، و به یکی از بزرگترین سیاستمداران جهان تبدیل شد و تا امروز نیز که سیزده قرن از درگذشتش میگذرد هنوز تاثیر با قدرتی دارد». (همان: ۷) یکی دیگر از نامداران جهان؛ تولوستوی، متولد ۱۸۲۸-۱۹۱۰ رمان نویس مشهور روسی است که او هم نام و آوازه ی بلند رسول اکرم(صلی الله علیه وسلم) زندگی و شاهکارهای دینی و دنیوی وی را شنیده است و در مدحش می گوید: «پیام و برنامه ی "محمد"(صلی الله علیه وسلم) تمام جهان را فرا می گیرد، چون مطابق با عقل و حکمت است. آنقدر بس است که "محمد"(صلی الله علیه وسلم) بدان افتخار کند که ملت زیردسته و به خون آلوده (ملت عرب) را زیر چنگ اهریمن آداب و رسوم زشت و فاسد درآورد. جلوی این ملت، راه بلند موفقیت را بازکرد. (لیو تولستوی، ۲۰۱۴: ۳۸)، یکی دیگر از آن نامداران جهان؛ لامارتین، متولد ۱۷۹۰-۱۸۶۹ شاعر و سیاستمدار فرانسوی است که در ستایش آن بزرگوار(صلی الله علیه وسلم) می گوید: «چه کسی می تواند یکی از مشهورین تاریخ را از لحاظ دانائی با "محمد"(صلی الله علیه وسلم) مقایسه کند. بلی این "محمد"(صلی الله علیه وسلم) است که فیلسوف، قانون گذار، جنگجو، قانع کننده ی هوا، بنیانگذار مکتب فکری و خواستار عبادت واقعی است. الان می خواهم بپرسم آیا کسی هست از "محمد"(صلی الله علیه وسلم) بلند پایه تر؟! اگر برای انسان شجاعت و دانائی قیاس باشد چه کسی می تواند یکی از نابغه های عصر را با "محمد"(صلی الله علیه وسلم) مقایسه کند». (پشتیوان کاکل، ۲۰۰۷: ۸)

#### سیمای رسول اکرم(صلی الله علیه وسلم) در اشعار فارسی مصطفی بیگ کوردی صاحبقران

کوردی صاحبقران در ابتدا و آغاز اشعار فارسی اش، از ابتدای خلق انسان شروع می کند و در تعریف قرآن کریم می گوید؛ بسیاری از سوره ها و آیه های قرآن کریم درباره ی قصه های متفاوتی است از جمله: خلق آدم و حوا، کار، فرمانبرداری و زندگی تمام پیامبرانی که در قرآن کریم ذکر شده اند؛ مثلا؛ قصه ی نوح، ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، یوسف، یونس، موسا و عیسا... (علیهما السلام) و گفتگو و دعوت آنها به قومشان به توحید و الله پرستی به



## از صدای تو خفته غفلت گشته بیدار، رسته، دل رنجور

(دیوان کوردی/بند اول: ۳تا)

نیز ادامه می دهد که برای عاشقان و دوستان یا کسانی که به وی ایمان آوردند، مایه ی خوشحالی، شادمانی شد و آن ها نیز به وسیله وی رستگار شدند و نصرت یافتند. برای گمراهان و کسانی که راه راست و خوشبختی را گم کرده بودند سایه بخش بود مانند نجات یافتن موسی (علیه السلام) { در شبی که از مدین به وادی طور و مصر برمی گشت؛ راه را در "وادی طور" گم کرد و خداوند او را نجات داد}. «إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَأَخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى» (طه: ۱۲) «منم پروردگار تو، نعلین (همه علایق غیر مرا) از خود به دور کن که اکنون در وادی مقدس طوی (و مقام قرب ما) قدم نهاده ای». مانند {سرگردانی و راه گم کردن مریم؛ مادر پیامبر عیسا (علیه السلام) وقتی که باردار شد به عیسا و وقت زایمانش فرا رسید خداوند او را زیر درخت خرمايي با نوزادش محافظت کرد و او را دران فتنه نجات داد}. «فَتَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا» (۲۴). «وَهَرِي إِلَيْكَ بِجِدْعِ النَّخْلَةِ تَسَاقِطَ عَلَيْكَ رَطْبًا جَبِيًّا» (۲۵). «(مریم: ۲۵، ۲۴) «زیر آن درخت (روح القدس یا فرزندش عیسی) او را ندا کرد که غمگین مباش که خدای تو از زیر قدم تو چشمه آبی جاری کرد. شاخ درخت را به سوی خود حرکت ده تا از آن بر تو رطب تازه فرو ریزد».

به هوای تو عاشقان دلشاد به ولای تو، دوستان منصور  
گمراهان طریق حیرترا سایه ات، نخل و، نور، وادی طور

(دیوان کوردی/بند اول: ۵و۴)

در ابیات زیر گفتمان و فرموده های پیامبر (صلی الله علیه وسلم) را به نغمه و آوای زیبایی تشبیه می کند که موجب رشک و حسادت پیامبر داود (علیه السلام) شده است. [آنچه که در مصادر دینی آمده است که داود دارای زیباترین صدا و آواز بوده است] و پاسخ و فرموده های کامل و بی نقص او مکمل، اصلاح کننده ی اشتباهات و مشکلات زبور است. دینی که شما آورده اید و کامل و تمام است «...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...» (المائدة: ۳) «...امروز دین شما را به حد کمال رسانیدم و بر شما نعمتم را تمام کردم و بهترین آیین را که اسلام است برایتان برگزیدم...» و همچنانکه قرآن دین کامل، تمام و آخرین کتاب الله (سبحانه و تعالی) برای بشریت است، محمد (صلی الله علیه وسلم) نیز آخرین پیامبر است. «...ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است». (الاحزاب: ۴۰)

نغمه ات رشک لحن داودی پاسخ حل مشکلات زبور  
ارمغان تو اکمل و اتمم ای یگانه به خاتمی مشهور

(دیوان کوردی/بند اول: ۹و۷)

تولدت فیض بخش عالم شد و باشوق و نور تو بت پرستی از میان رفت و خفت و سرافکندگی برداشته شد. چون نور رخسارت هویدا شد، هردو عالم نورانی شد. تمام ظلمت، تاریکی جهل و نادانی از میان رفت و روز قیامت مومنان را نورانی کرد. قرآن کریم در این مورد می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (التوبة: ۳۳) «اوست خدایی که رسول خود را به هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد هر چند مشرکان ناراضی و مخالف باشند».

مقدمت فیض بخش عالم شد دیر و بتخانه بست و بت مکسور  
لمعة طلعتت چو پیدا شد در دو عالم شکست خورد دیجور

(دیوان کوردی/بند اول: ۱۱و۱۰)

در ابیات زیر نیز تمام ستارگان، مهر و ماه را پرتوی از نور و زیبایی رخسار پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) می داند و می گوید؛ مهر یا خورشید از پرتوی رخسار تو روشن شده و ماه نیز از نور پیشانیت پر نور شده است. می افزاید که کسانی مگر گنگ و بی زبان باشند، جز صفات تورا بر زبان بیاورند. کسانی مگر کور باشند که دنبال کسانی جز تو بروند. بنابراین منظورش این است تنها باید از خدا و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) اطاعت کنیم و دنبال هیچ دین و افکاری نباشیم. چون با این حال دچار باختن قیامت خواهیم شد. «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَّزِعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (الانفال: ۴۶) «و همه پیرو فرمان خدا و رسول باشید و هرگز راه اختلاف و تنازع نپویید که در اثر تفرقه ترسناک و ضعیف شده و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد، بلکه همه باید یکدل، پایدار و صبور باشید، که خدا همیشه با صابران است.» الله (سبحانه و تعالی) هیچ دین و راهی را بجز دین اسلام و اطاعت از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) را قبول ندارد. چنانکه الله تعالی در قرآن کریم فرموده است: «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران: ۸۵) «هر کس غیر از اسلام دینی اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نیست، و او در آخرت از زیانکاران است.»

مظهر پرتو جمال تست	ز آسمان جمله نجم و ماه و خور
مهر از مشعل رخت روشن	ماه از نور جبهه ات پر نور
جز صفات نگوید الا گنگ	غیر ذاتت نجوید الا کور

(دیوان کوردی/بند اول: ۱۳ تا ۱۵)

در ابیات پایانی این بند کوردی نظر خود را نیز بیان می کند که می گوید: {ای پیامبر} من که عاشق و دلباخته ی توام، اگر زیبایی رخسار تورا داشته باشم، دیگر حور و غلمان و این و آن چی باشند در برابر زیبایی تو. من تنها خواستار رسیدن به توام. تو که بر تخت دلم سلطان باشی چگونه از در و آستانه ات دور می شوم. من که همدل و همانند حلاجم در حق پرستی باشادی و پای کوبان به تو می گویم: ای که بانفیر فرموده هایت و آیه هایی که جبریل برایت آورد، دنیا را خوشنود ساختی، تو خورشید هدایت و نور خداوند هستی؛ پس ای نماینده ی حق و راستی، پیام حقت را بیان کن.

شاهدم جلوه ی حق است، دیگر	چیست غلمان و این و آن و حور
ای که بر تخت دل تو سلطانی	چون شوم از آستانه ات دور
ای خوش آن دم سوی مقتل خویش	یابم از یار خاص خود دستور
همدل و همانند حلاجم	حق پرستی رهم، نه جورا جور
پای کوبان ز شوق و دست فشان	فاش گویم به ناله ی سنتور
کای دمت نفخه ی سرافیلی	مورد واردات جبریلی
انت شمس الهدی و نور الحق	اظهر الحق، یا ظهور الحق

(دیوان کوردی/بند اول: ۱۶ تا ۲۲)

کوردی تقریباً تمام بند دوم اشعار فارسی را به ستایش پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) و اصحاب و یاران و پیروان آن بزرگوار (صلی الله علیه وسلم) اختصاص داده و هرچند که آن ها را از زبان مردم به گدا نام برده است و مردم از آن ها بیزارند، اما آن ها را به پادشاه تشبیه نموده و می گوید: هرچند که کیسه ایشان تهی باشد و به دنیا اهمیت نمی دهند اما کتاب قرآن و سنت که از گنج پر اهمیت تر است در آستین دارند. مانند گنج و گوهر در شکم نهنگ و خزانه زیر خاک پنهانند. اما واقعیت وجودشان حقیقت دارد. روزی نام، نشان و نعتشان آشکار خواهد شد.

{همچو پیامبر یونس که گوهری بود در شکم نهنگ اما در آخر بیرون آمد}. چونکه آن گدایان، بیرو پیامبری هستند که با خدای خویش در شب معراج خلوت کرده است. هرچند که درین دنیا جاه و مکانشان بزرگ و در رفاه نباشند اما باطنی نورانی و پر از زندگی با محبوبشان دارند.

پادشاهان عرش اورنگند	آن گدایان که خلق را ننگند
پای بر عرش و زیر سر سنگین	گنج در آستین و کیس تهی
چون گهر در نهنگ باهنگند	چون، خزانه نهان، به ویرانه
کان دران مجمعی هماهنگند	خلوت پشت کاخ را شاهد
باطنی را به جان شبا هنگند	گرچه ظاهر به کلبه اند ساکن

(دیوان کوردی/بند دوم: ۱ تا ۵)

وقتی که بحث از گدا می شود شاید انسانی ضعیف و زشت و بی سروپا به ذهن خطور کند اما کوردی آن هارا بسیار قوی و با قدرت و زیبارو و دارای اخلاقی کامل و انسانی تمام عیار ستایش می کند. آن ها در دل همه محبوب هستند، چون کلمات سخنان گوهرآمیز را از لب لعل پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) می شنوند. نهالشان با آب زلال اشک آن بزرگوار (صلی الله علیه وسلم) بزرگ شده است. پس این است که چنین زیبا و شوخ و شیرین هستند.

همه پیل افگنان و ، آهو وش	ملک اخلاق و آدمی رنگند
گاه در گنج دلبری مبسوط	گه زرنج زمان سبک سنگند
طائر وهم و مسرع الافکار	در بیابان وصلشان لنگند
هم در اقلیم دل چو سلطانند	هم بر افواج جان چو سر هنگند
از لب لعل و ، گیسوی مشکین	خرم و ، کامیاب، با هنگند
دل پر اسرار غیب را به مثل	طبله در طبله، تنگ در تنگند
دل ز کف دادگان شوریده	شوخ و شیرین و شاهد و شنگند

(دیوان کوردی/بند دوم: ۶ تا ۱۱)

کوردی در ابیات زیر دوباره به واقعه ی معراج اشاره می کند و شهادت می دهد که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) بسیاری از پیامبران الواعظم را در آن مدارس غیبی دید و با بعضی از آن ها گفتگو کرد. پیام سیر و نهان آسمان را با صدق و صفا بر زمین آورد و همه از آن پیام و دستورات الله (سبحانه و تعالی) اطاعت کردند. در زمانی که الله (سبحانه و تعالی) به بندگان خویش فرمود: «الست بربکم» همه گفتند: «قالوا بلا شهدنا» (الاعراف: ۱۷۲) «که آیا پروردگار شما نیستم گفتند چرا گواهی دادیم...» و بنا براین بر عهد و پیمان خود با پروردگارشان صادق بودند. از دیو نفس و شیطان فریب نخوردند. کوردی در ابیات آخر عشق و محبت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) را در آغاز خلق آدم تا زمانی که اسرافیل به صور می دمد یعنی تا قیامت در دل پیروان و انسانیت باقی خواهد ماند.

انبیا در مدارس غیبی	کشف کشف و فر فرهنگند
در سمای حقیقت جانی	مهر پرواز طی راه لنگند
شاهدم، شاهدم که در معراج	همه شان دید، در رهش چنگند
با ددو انس و جن به صدق و صفا	لیک با دیو نفس و در جنگند
جان و دل باز پرتو نظری	کحل ابصار و صیقل زنگند

وانگهی میکده چکار آید؟  
چونکه مست الست اند آنان  
غافل از خویش و، بیخود، از مستی  
بی صفای هوای دلجویت  
از گدایان به شورهای هو  
گوش سوی سروش و دف در کف  
از سرافیل؛ عشق: در یکدم  
مطربان خوش، نغمه سرای

که همه خود خم و مل و بنگند  
پی کامی چنین قوی ینگند  
واقف از روم و آگه از زنگند  
خفه و، بندگان بنگ رنگند  
هرکه با چنگ و دنگ، نی دنگند  
نای با نای و چنگ در چنگند  
تا دم صور، وا پسین دنگند  
با خروشی چنین در آهنگند

(دیوان کوردی/بند دوم: ۱۴ تا ۲۶)

چنانچه گفته شد کوردی آدمی صوفی مشرب، مذهبی بوده، و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) را بسیار دوست داشته است و عکس و سیمای معنوی رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) در ذهنش حک شده است. گاه گاه آن صور معنوی ظاهر می شود و به دیده دل می بیند که در بند سوم اشعار فارسی اش، باز این دوستی و محبت را تایید کرده است. اشعاری پر از دوستی و محبت آن بزرگوار (صلی الله علیه وسلم) را سروده است که می گوید: دوباره در آینه دلم عکس آن محبوب پیداشد و مانند کاهربا محبت خویش را در دلم جذب کرد. از شدت دیدن چهره ی محبوب (صلی الله علیه وسلم) کوردی مست و حیران شد دل و جانش سرگشته و آواره ی لقای وی شد و آن چهره نورانی دل او را روشن و آباد کرد چنانکه ستارگان، آسمان را روشن می کنند.

باز از آینه عکس پیدا شد  
باز آن جذبه، از دل خاک شد  
باز چون گردد پرتو اختر  
رهگذاری به سوی کوه نور  
باز آن شمع بزم خلوت غیب  
باز آن پرده دار پرده نشین  
باز از عشق و شوق آن چهره

شاهد معنوی هویدا شد  
همچنان کهربا، کاه ربا شد  
جان سرگشته، راه پیما شد  
در رهش گویی خود ثریا شد  
مجلس افروز محفل آرا شد  
چهره بنمود، عقل شیدا شد  
جان و دل مست و کام صهبا شد

(دیوان کوردی/بند سوم: ۱ تا ۷)

کوردی در ادامه ی ستایش رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) بیان می کند که؛ با ظهور و بعثت وی رساله و پیام پیامبران قبل از خود را از آدم تا عیسا (علیهما السلام) را مسح و الغا کرد. البته نه اینکه دین تازه ای را آورده باشد و پیامبران قبل از خود را بی ارزش نگاه کرده باشد، نخیر. یعنی بدعیات و افراط و تفریطی که بعد از فوت هر پیامبری توسط قومشان وارد ادیان سماوی شده بود؛ آن ها را از بین برد. مانند پیامبران قبل از خود، بالخصوص ابراهیم (علیه السلام) به توحید و الله پرستی (سبحانه و تعالی) مردم را تبلیغ کرد. چون تمام پیامبران برادر یکدیگرند... و دین و خدای همه ی آن ها یکی است. «...و الأنبياء أولادُ عَالَتِ؛ أمهاتُهُم شَتَّى، و دینُهُم واحدٌ» (البخاری، ۱۴۰۸: ۱۴۵۲) و همه آن ها به ترتیب خبر آمدن این بزرگوار (صلی الله علیه وسلم) را به پیامبر بعد از خود داده است. همه ایشان برای توحید و (لا اله الا الله) فرستاده شده اند. کوردی در بیت بعدی رسالت رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) را به رسالت پیامبر ابراهیم (علیه السلام) و موحد بودن وی تشبیه می کند، که او هم مردم را به توحید و الله پرستی دعوت می کرد. تمام بت ها و خدایان باطلی که عبادت می شدند از بین برد «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلذِّي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (الانعام: ۷۹) «من از روی اخلاص پاکدلانه روی خود را به سوی کسی گردانیدم که آسمانها و زمین را پدید آورده است و من از مشرکان نیستم» هُدُودُ گونه رسالت خود را به تمام عالم رساند. همچون عیسا(علیه السلام)، عبدالله بودن خود را تصدیق می کرد. «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا» (مریم: ۳۰) «گفت: همانا من بنده خاص خدایم که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرمود».

تا مسیحا که مسح و الفا شد	به ظهورش، رساله ی ادم
به ظهوری که روح افزا شد	از ازل ثبت لوح شد هرگاه
گاه در جسم لات و عزا شد	گاه بر صورت خلیل آمد
گاه خورشید و، گاه حرباء شد	گاه چون شمع و گاه پروانه
پرتو انداز کوه سینا شد	ارنی گو به طور شوق آمد
بر دو چون جم به تخت صنعاشد	هدهدی خبر به ملک سباء
داد وانگه به شکل عیسی شد	همچو روح القدوس پیام از خویش
کاندران خاتم امر فرما شد	همه آماده باش هنگامی
نور یزدان که شاهد ما شد	نسخ ادیان و ختم آنها کرد

(دیوان کوردی/بند سوم: ۲۱ تا ۱۳)

چنانچه در بند دوم قبلی و در ستایش پیروان رسول اکرم(صلی الله علیه وسلم) بحث شده است، کوردی در این بند نیز آن گدایان و پیروان را به ثروتمندترین ملک دنیا تشبیه می کند. البته این دستاورد و خوشبختی بی کران، توسط برکت و از خود گذشتگی و متواضع بودن آن بزرگوار(صلی الله علیه وسلم) است که با پیروان خود با درستی رفتار می کرد. راه نمای دین و دنیای آنان بود و آن ها نیز، جان خود را فدای وی می کردند. تنها او را مولا، سرور و بزرگ خود می دانستند و اطاعت می کردند.

آن گدایی که ریزه خورش بود	گشت و مستغنی ملک دنیا شد
مدتی در رکاب بنده ی خویش	مهتری کرد و باز، مولا شد
ساقی بزم میر مجلس بود	باز چون باده سوی مینا شد
پس از آن جان به رقص و گردش سار	برج گردان و، کوکب آسا شد

(دیوان کوردی/بند سوم: ۲۲-۲۳-۲۶-۲۷)

کوردی در بند چهارم دوباره پنجره ی سخنش را به روی رسول اکرم(صلی الله علیه وسلم) باز می کند و با وی گفتگو می کند. خواستار این است که درون خویش را با آب محبت آن بزرگوار(صلی الله علیه وسلم) سیراب کند. هر لکه، سیاهی، غم و اندوهی که بر صفحه ی دلش نشسته، پاک کند. اما کوردی هنرنمایی می کند و سخنی که با دل خود یا رسول اکرم(صلی الله علیه وسلم) دارد، آرایه ی تلمیح به کار می برد. قصه و واقعه هایی که در قرآن کریم آمده است درین بند به کار می برد و با وی سخن می گوید که؛ جانا بیا غم و غصه هایی که بر صفحه ی دلم نشسته است با نوای خوش ازبین ببر. کسانی که منکر و مخالف رای تو(اسلام) هستند، موسا آسا(علیه السلام) که در سوره های: (یونس: ۷۵ تا ۸۹)، (طه: ۵۷ تا ۷۶) و (الشعراء: ۲۹ تا ۵۲) آمده است، با عصایی که در دست داشت، جادوی جادوگران را ابطال کرد، ازبین برد، تمام منکران را مغلوب کرد. در آخر فرعون مغرور، دشمنان کافر و بی باور بنی اسرائیل را با خود در دریای قرمز غرق کرد. (الاعراف: ۱۳۶)، (یونس: ۹۰)، (الاسراء: ۱۰۳)، (الشعراء: ۶۲ تا ۶۶)، (طه: ۷۵ و ۷۸)، (القصص: ۳۹ و ۴۰)،

(الزخرف: ۵)، (الدخان: ۱۷ و ۲۴) و (الذاریات: ۳۸ تا ۴۰). یا مانند قوم پیامبر صالح (ثمود)، قوم پیامبر لوط (سدوم) که با زلزله و سنگ باران، قوم پیامبر نوح با طوفان، قوم پیامبر هود (عاد) با باد صرصر از بین رفتند، تو نیز چنین باش و همه ی منکران را با تاب شعله ی خویش بسوزان و از بین ببر.

خیز جانا نوای دیگرزن	خرمنم را شرار فروهرزن
دفع سودای فاسد غم را	بررگ دل ز غمزنشترزن
منکرانرا ز تاب شعله خویش	موت نار و شدت حرزن
موسا آسا به رغم سحاران	یک عصای به نفس اژدرزن
مست ومغرور کفر و بی باور	موج گرداب بحر احمرزن
گمراهان را به زلزله و طوفان	سنگ باران و باد صرصرزن

(دیوان کوردی/بند چهارم: ۱ تا ۶)

کوردی چنان مست محبت آن بزرگوار (صلی الله علیه وسلم) شده است که خودش را داخل واقعه ها ای می برد که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در آنجا است و جسم و جان خود را از آن پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) می داند و می گوید: تو شه ماعرفناک هستی، با شمشیر و خنجر محبت خویش، جسم و جان من را بزنی و خیمه ی رحمت دین اسلام را گسترده تر و فراوان تر کن. تا اینکه تمام دنیا را فراگیرد و هیچ دشمن و منکر این دین باقی نماند و همه تسلیم دین اسلام شوند. بنابراین برای اینکه این خواسته اش برابر شود، از خداوند می خواهد که مهر و محبت رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) در هر دلی جا کند و همه از وی اطاعت و پیروی کنند.

ضربت از تو، تن از تو، جان از تو	خواه شمشیر و، خواه خنجرزن
تو شه تخت ماعرفناک ی	خیمه از ممکنات بر ترزن
شاهباز نشیمن قدسی	تا سر برج لامکان پرزن
ای که داری هوای دلبر ما	نقش مهرش به هردلی برزن

(دیوان کوردی/بند چهارم: ۷ تا ۱۰)

در ابیات زیر، کوردی روی سخنش را به درون خود یا دوستداران و مخاطبینی است که پیرو رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) هستند؛ و سخنش دو حالت را در خود می گیرد؛ اول اینکه به درون خویش و مخاطبین توصیه ی مطیع بودن می کند و می گوید: شما باید تنها الله را بپرستید و اطاعت خدا را از آن حبیب الله (صلی الله علیه وسلم) بگیری، تیشه ی ایمانت را تیز کنید. ابراهیم آسا (علیه السلام) گردن تمام بت ها، خدایان ناشایسته ای را که در دل دارید بزنی و خارج کنید. اگر سعادت و خوشبختی هر دو دنیا را می خواهید، تعظیم کنید و رخسار خویش را بر درش بزنی و خود را مانند حلقه ی روی درش بسازید و خود را بر درش بزنی. عجله کنید تا به آستانه ی آن بزرگوار (صلی الله علیه وسلم) راه یابید. دوم اینکه می گوید: اگر در آستانه اش راه یافتی، دین اسلام را پذیرفتی، اطاعت آن رسول (صلی الله علیه وسلم) را پیش گرفتی؛ دیگر باید تمام محبتت را خرج وی کنی و او را از تمام دنیا و دارایی ای که دارید، بیشتر دوست بداری و پشت از مال دنیا کنی. درین جا کوردی چنین شیفته ی محبت و دیدار محبوب (صلی الله علیه وسلم) شده است؛ سر گذاشتن روی جای پای سگان آستانه ی رسول الله (صلی الله علیه وسلم) را از سریر و جاه خواب

سنجر سلجوقی<sup>۱</sup> بهتر می داند. دارایی، مقام، تخت و تاج دنیا را حقیر می داند و سنگ و خاک آستانه وی را با قیمت تر از تاج و زر دنیا می داند و می گوید: به جای تاج زر پادشاهی دنیا، سنگ درگاه دوست؛ پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) را روی سر بگذار.

در ره آن حبیب نسخ آور	تیشه ات بر بت و بر آذر زن
کیمیای سعادت ار خواهی	بر درش رخ چو سکه بر زر زن
دست کوتاه کن زدق الباب	قامتت حلقه ساز و بر در زن
گر در آن آستانه ره یابی	پشت پایی بقصر قیصر زن
ور نهندت به جبهه داغ قبول	داغ و غم بر دل سکندر زن
سربه پاگه سگان کویش نه،	دست رد بر سریر سنجر زن
مست لولاک باش بی پروا	بر سر کفر شیر اکبر زن
از سر افگن خیال افسر و زر	سنگ درگاه دوست بر سر زن

(دیوان کوردی/بند چهارم: ۱۲ تا ۱۹)

کوردی در ابیات پایانی این بند، فضل دین اسلام، اطاعت از رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) را بر تمام کتب و ادیان سماوی دیگر ارج می نهد. چونکه دین اسلام؛ دین کامل، آخر، بی نقص، بی تحریف و آسمانی ای است که تا الان باقی مانده باشد «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (الحجر: ۹) «البته ما قرآن را بر تو نازل کردیم و ما هم آن را محققا محفوظ خواهیم داشت». بعد از دین اسلام و پیامبر اسلام، دین و پیامبر دیگری وجود نخواهد داشت. «و تنها نجات دهنده ی انسان از هولناکی و سختی قیامت است. مایه ی رضا و خوشنودی الله (سبحانه و تعالی) است» (الاحزاب: ۴۰). پس باید دین و راه وی که اسلام است را پیش گرفت. «هر کس غیر از اسلام دینی را اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نیست و او در آخرت از زیانکاران است» (آل عمران: ۸۵). بنابراین روی به نفس و درون خود و مخاطبین می کند و می گوید: همچنان با آمدن قرآن کریم، کتاب ها و مصحف های دیگر پیامبران منسوخ شدند، شما نیز قلم نسخ را بر پنج مصحف (مصحف آدم، مصحف شیث، مصحف نوح، مصحف ابراهیم و مصحف موسی علیهما السلام) و چهار کتب؛ (چهار انجیل: متا، لقا، یوحنا و مرقص) که تحریف شده اند، بزنید. به طور آشکار، عیان و با افتخار روی به دین اسلام بیاورید. خوشحال و رقص کنان، اطاعت از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) پیش گیرید تا خوشبختی دنیا و قیامت را به دست بیاورید. تا اینکه بر غوغا و سختی محشر پیروز شوید. در حالیکه در قیامت کسانی که دشمن رسول الله (صلی الله علیه وسلم)، دین توحید و الله پرستی بودند، سکندر گونه؛ در سختی و عذاب محشر رنج می برند. غم و غصه می خورند. انگشت پشیمانی در دهن دارند.

قلم نسخ به پنج مصحف نه	کز لک حک به چار دفتر زن
بانگ حق آشکار فرمودند	نعره ی جوش و رقص، آور زن
جرعه ای برکش و بدین آهنگ	شور و غوغا بر اهل محشر زن

(دیوان کوردی/بند چهارم: ۲۰ تا ۲۲)

۱ ( معزالدین ابوالحارث احمد سنجر معروف به سلطان سنجر فرزند سلطان ملکشاه سلجوقی بود و در سال ۴۷۹ قمری در سنجر به دنیا آمد. وی پس از وفات برادرش محمد بن ملکشاه، در خراسان اعلام استقلال یافت و خود را به القاب پدرش، ملکشاه، معزالدین و الدین خواند. آرامگاه او در دارلبطیخ است. (بویل، جان اندرو، ۱۳۸۷: ۱۲۳۶ تا ۱۳۸).)

چنانچه در بندهای قبلی شرح داده شد که کوردی؛ آدمی خدانشناس صوفی مشرب پیامبر دوست بوده است. که تمام شش بند اشعار فارسی اش را به ستایش رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) اختصاص داده است. چنان شیفته و مفتون به وصال آن بزرگوار (صلی الله علیه وسلم) بوده است، بالخصوص در این بند پنجم، که خود کوردی آن حقیقت را بیان می کند. آیا در آخر عمرش بوده، و به این فکر بوده است که بعد از وفاتش به دیدار حبیب الله (صلی الله علیه وسلم) برسد، یا اینکه دلش هوای رفتن به حج و شهر مدینه ی منوره کرده است که مقبره رسول گرامی (صلی الله علیه وسلم) در آنجاست تا از نزدیک به دیدار وی برسد. کوردی عشق و محبت خویش را در کمال می بیند. چنان فکر می کند که در مجلس رسول الله (صلی الله علیه وسلم) نشست است. رخسار آهو و ش تمام کسانی که در آن مجلس روحانی وجود دارند، که از شوق نور رسول الله (صلی الله علیه وسلم) زیبا و پر نور شده اند، همه از پاکی، مردانگی و رازداری؛ عیسا خصال هستند، می بیند. که همه فرخنده و خوشحال؛ پروانه آسا به دور نور حبیب الله (صلی الله علیه وسلم) می چرخند و خود را در آتش محبت وی می سوزانند.

وقت قرب و وصال می بینم	عشق را در کمال می بینم
باندیمان خسرو اندر راز	سنگ و سیما غزال می بینم
با وصیفات به خلوت شیرین	کوهکن با جلال می بینم
با سرانی که سالک عشق اند	خلوتی با دلال می بینم
رازداران خاص آن خلوت	همه عیسی خصال می بینم
همه از عشق آن شه لولاک	عاقبت یک مال می بینم
همه در بای کوی او هستند	آنچه فرخنده حال می بینم
آنچه در کارگاه نقش صور	زره ای زان جمال می بینم

(دیوان کوردی/بند پنجم: ۱ تا ۸)

کوردی در ابیات دیگر این بند، به عقاید، افکار، اقوال، اعمال و معجزات رسول الله (صلی الله علیه وسلم) اشاره می کند و می گوید: دین اسلام، قران کریم، احادیث نبوی (قرآن و سنت)، تمام اعمال و معجزاتی که انجام داده؛ مثلا رفتن به معراج و دونیم کردن ماه و پیش بینی و بیان غیبیاتی که خداوند (سبحانه و تعالی) خبرش را به وی داده بود؛ همه را به سحر حلال تشبیه نموده است. چون چنین کارهایی از یک آدم معمولی نمی توان دید. از طرف دیگر، جادوگران و ساحران نیز ادعای کارهای خارق العاده و غیر ممکن را می کنند. اما کارهای آن ها جادو و دروغ هستند. درحالیکه حرام و باطل می باشند. هر چیزی که در کائنات وجود دارد در مقابل زیبایی پرتو نور حبیب الله (صلی الله علیه وسلم)، که تمام کرانه ها را فراگرفته و نمایان است، گردی بیش نیستند.

آنچه آورد و، کرد و، گفت و، بود	همه سحر حلال می بینم
آنچه در کائنات کرده ظهور	مظهر لایزال می بینم
پرتو مهر طلعت جانان	بی کسوف و زوال می بینم

(دیوان کوردی/بند پنجم: ۹ تا ۱۱)

زاهدا! کشک شاه بینی و من	عرش آن متعال می بینم
مجلس و خلوتگاه همسایه	کوی آن قد نهال می بینم
صف ارواح را در آن منزل	جا به صف النعال می بینم
پاسخ و حرف اهل آن مجلس	همه رمز و مثال می بینم

درس و بحث و بیان آن مکتب	عاری از قیل و قال می بینم
حل اشکال و رمز آن استاد	بی جواب و سؤال می بینم
طوطی نطق را در آن محضر	پشت آینه ی لال می بینم
طائر وهم را در آن مجلس	خسته، بی پروبال می بینم
بختی عقل را در آن هامون	بر دو زانو عقال می بینم

(دیوان کوردی/بند پنجم: ۲۰ تا ۱۲)

در ابیات بالا، کوردی حافظ آسا زمانیکه روی به دنیا پرستان و دین فروشان و ریاکاران می کرد. می گفت:

جلوه بر من مفروش ای (ملک الحاج) که تو "خانه" می بینی و من "خانه خدا" می بینم

(غزلیات حافظ: ۳۵۷)

وی نیز روی به متصوفین، زاهدان تازه، ناپخته و ریاکار دنیا پرست می کند و می گوید: شمایی که در بند دنیا و دنیا پرستی خارج نشده ایید، نه خود و نه خدا را نشناخته ایید، الان که در این خلوتگه نیز قرار دارید؛ تنها قصر و بنای دنیایی را می بینید و برای به دست آوردن دنیا تلاش می کنید. بلکه من در این خلوتگه بزم، مست الستم و عرش شاه شاهان (خدا) را می بینم. در خلوتگهی که مشغول عبادت هستم، بسیار شلوغ است و پر از ارواح پاک است. جای پای نمانده به زمین بگذارید. حتی صف ارواح، به جای کفش ها نیز کشیده شده است. من در این خلوتگه و بین آن همه ارواح، قد و قامت نهال نمای حبیب الله (صلی الله علیه وسلم) را می بینم. گفتگوی آن مجلس؛ همه سوال و جواب به رمز و مثال است. بدون هیچ قیل و قالی هر سوالی جواب کامل خود را دارد. چون بلاغ و جوابی که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در آن مجلس (دین اسلام) برای مردم ابلاغ می کند، آن قدر کامل و تمام است و دل تشنه را سیراب می کند، که دیگر نیاز به جواب دیگری نیست. کسانی که طوطی نما در آن مجلس وجود دارند، لال و دهان بسته می مانند. سیمرغ و بختی (شتر) عقل، بی پروبال، خسته و زانو بسته از حرکت می افتند.

در ابیات زیر مجلسی که کوردی به دین اسلام تشبیه نموده است، تمام کرانه های مادی و معنوی انسانیت را فراگرفته است و حل مشکلات دین و دنیای انسان ها را در خود گرفته است. هیچ تشنه ای نیست در هامون (کویر) آن مجلس، الا سیراب خواهد شد. هیچ سوال کننده ای نیست الا جواب کامل را خواهد گرفت. کوردی با شور و محبتی که برای رسول الله (صلی الله علیه وسلم) دارد، خود را مانند بلال حبشی در خدمت وی می داند. می گوید: آن صراط المستقیم، بدون راهنمای پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) محال است و به مقصد نمی رسد. چنانچه در حدیثی می فرماید: «من عمل عملا لیس علیه أمرنا فهو رد» (مسلم: ۱۷۱۸) «هر عمل و عبادتی که بنده انجام می دهد، اگر امر ما (الله و رسوله) بر آن نباشد؛ مردود و باطل است» پس باید اطاعت وی را پیش گرفت. چنانکه قدیسیان، فرشتگان و ارواح بهشتی در فراز علیین، مشغول به ذکر و سپاسگذاری می باشند.

تشنه را زیر پای خضر نبی	چشمه ی بس زلال می بینم
در رکاب محمدی خود را	هندوئی چون بلال می بینم
قطع آن راه جز به لطف دلیل	رهروانرا محال می بینم
قدسیان برفراز علیین	ذکرشان این مقال می بینم

(دیوان کوردی/بند پنجم: ۲۱ تا ۲۴)

کوردی بند ششم و آخر را با عشق و محبت آن بزرگوار (صلی الله علیه وسلم) آغاز می کند و می گوید: در این صبح دم زمستانی دیگر وقت عشق و محبت آن رسول است و جانا برخیز و بزم و بساط رقص را آماده کن. بربط و نی را بزن، تا خراباتیان جام می نوش کنند و مست محبت وی شوند. کوردی خود را در این مجلس مست خراباتیان می بیند و چنان مست شده است از محبت یار (صلی الله علیه وسلم)، گرفتن الهام از کلام و گفتار وی (قران و احادیث) و در این بزم خراباتیان خود را قربان رسول الله (صلی الله علیه وسلم) و کلام و دین وی می کند که می گوید: با محبتی که دارم اگرچه با مستی و در این خرابات رو سیاه شوم، این عشق و محبت را با مملکت ری عوض نمی کنم.<sup>۷</sup> وی ادامه می دهد و در وصف خرابات و شرط شرکت کردن و داخل شدن در آن مجلس را چنین بیان می کند و می گوید: چنانکه تا درخت خورما را به درستی تربیت نکنی و نهال زیاده ی آن را نبری و به آن نرسی، نمی توانی از ثمره اش بخوری. تا مجنون آسا به دور محمل لیلانچرخ و نیش و زهر محبت را نچشی، در آن خرابات جایی برای خود نمی یابی. مانند یاران خرابات، تا در قی (استفراغ) خود نغلتی، تمام شهوات و بدی و گناه خود را مانند تهوع بیرون نریزی، راه توبه را پیش گیری و پنجره ی تهذیب نفس را بر روی خود باز نکنی، درون تشنه ی خود را با کلام الله (سبحانه و تعالی) و احادیث نبوی سیراب نکنی، مورد عنایت خداوند نمی شوی و پرتو الهی کسب نمی کنی و محبت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) را به دست نمی آوری. پس برای کسب چنین مقامی، اسب خیال رجعت و پشیمانی را پی کن (به حرکت دربیار) تا راه منزل وی را بیابی.

وقت عشق است و صبح موسم دی	خیز جانا بیار بربط و نی
از خراباتیان مست، طلب	جام جمشید و تخت و افسرکی
ترک تاتار و باده ی خلر	رو سیاه م، گر دهم به ملکت ری
نخوری برز نخل آزادت	نبری تا نهال کام از پی
نکنی تا تواف محمل لیل	نکشی تا تو زهر نیش از حی
ندهندت به بزم مستان جای	تا چو یاران نغلتی اندر قی
پی کن اسب خیال رجعت را	تا بری سوی منزل او پی

(دیوان کوردی/بند ششم: ۱ تا ۷)

کوردی در ادامه می افزاید؛ روی بر مخاطبین یا نفس خود می کند و می گوید: ای پسر تا کی از پدران و خاندان خود صحبت می کنی. جود و سخا و بخشندگی حاتم به پسرش (عدی) چی؟! اگر عدی هم مانند پدرش سخاوتمند نباشد و مردانگی به خرج ندهد. پس تو هم تاکی به آنان فخر می کنی و می نازی، بدون اینکه خود کاری بکنی و همیشه در خواب غفلت و بی آگاهی هستی. پس آگاه باش و پند و وعظ من را گوش کن. خودت راه خویشتن را روشن کن و دنبال رسیدن به آن منزل و مقام باش. ضرر نمی کنی و ضمان رسیدنت به آنجا بر عهده ی من. تنها محمد (صلی الله علیه وسلم) را پادشاه و شفیع هر دو عالم بدان که فخر خاندان لوی است. چون سفره و بساط عطای وی (صلی الله علیه وسلم) پهن شد و مشمول خدانشناسان شد، دیگر فرش سخای "حاتم طی" بی رنگ و مبسوط گشت. چون کوردی خود را شایسته ی آن می داند که از سفره ی معنوی رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) سهمگین شود، دیگر صبر و قرارش به پایان می رسد؛ بیان حال خود را چنین می کند که از صبر دوری آن بزرگوار در آتش فراق می سوزد و می

۷ البته نکته ایی اینجا هست که گویا «کوردی با سالم شاعر، مدتی در شهر ری ایران زندانی شده است». (دیوان کوردی، ۲۰۱۰: ۵۷۱) بدین دلیل است که مملکت ری را به این معنی در این مصراع شعر آورده است.

گوید: چنانکه کوه طور از جلوه الله (سبحانه و تعالی) سیاه شد، کوردی نیز از حال خضوع و فرمانبرداری رسول الله (صلی الله علیه وسلم) مانند میوه "به" زرد گشته است.

ای پسر تاکی از پدر گوئی	جود حاتم چه می کند به عدی
مستی و خواب و بیخودی تا چند	هستی و عجب و سرکشی تاکی
بشنو این پند من از سمع قبول	گریزان دیدی الضمان علی
شه ظهور الحق، از دو عالم دان	نائب و، فخر خاندان لؤی
چون بساط عطایش شد مبسوط	گشت فرش سخای حاتم طی
چند نقش را نهان به دل دارم	سوختم صبر عاشقی تاکی
طور؛ از جلوه، من ز حال خضوع	آن سیه گشت و من به رنگ بی

(دیوان کوردی/بند ششم: ۹ تا ۱۵)

کوردی در ابیات زیر و پایانی امیدش به رحمت و لطف پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) بیشتر می شود و چنانکه الله (سبحانه و تعالی) در قرآن کریم در صیبتش فرموده است «ما تو را نفرستاده ایم الا اینکه رحمت باشی برای عالمیان» (الانبیاء: ۱۰۷) و کوردی نیز وی (صلی الله علیه وسلم) را مایه ی رحمت در هرد و دنیا می داند. با خوشحالی و کف زنان و رقص کنان اشاره به آیه ی (۶) سوره ی الصف در قرآن کریم، فرستاده شدنش از زبان پیامبر عیسا (علیه السلام) می کند. «و بشارت دهند به رسولی که بعد از من می آید و نام او احمد است» (الصف: ۶) کوردی محبتش به درجه ای رسیده است که خود را مست دست رسول الله (صلی الله علیه وسلم)، کلام و احادیثش می داند و تقاضای آن دارد که وقتی را حاصل کند که با سگان درگه وی دوستی و همنشینی کند. تمام خوشحالی و جوش و خنده اش را مدیون ذکر وی می داند.

لیک؛ امید لطف: وا گفتند	رحمت هردو عالم است هی هی
کف زنان رقص کن، مقام بخوان	خیز و مژده فرمود عیسا پی
نی عجب؛ مست دست او هستم	ساقی او، ساز ازو، ز خود را می
ای خوشا، وقت آنکه حاصل کرد	دوستی با سگان درگه وی
همه زرات جسم و جان پر جوش	از پی ذکر اوست پی در پی
خوانم این قصه بر سر بازار	فاش گویم به نغمه دف و نی

(دیوان کوردی/بند ششم: ۱۶ تا ۲۱)

### نتیجه گیری

آیات قرآن کریم بیان کننده ی آن است که تمام پیامبران، گرچه از نظر منصب و مقام نبوت و اتصال به عالم وحی با یکدیگر برابرند، اما از لحاظ برتری و فضیلت در یک درجه قرار ندارند. برخی از این فرستادگان و رهبران الهی صفات و احکام ویژه ای دارند که بعضی دیگر از پیامبران آن ویژگی ها را ندارند. کوردی نیز در اشعار فارسی خود به این ویژگی و خصوصیات رسول الله (صلی الله علیه وسلم) پرداخته است. رسول الله (صلی الله علیه وسلم) را بادیگر انبیای الهی و قرآن را با دیگر کتب سماوی رجحان می دهد. پس نتایج و یافته های تحقیق را می توان در نقاط زیر ردیف کرد:

۱) رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) در میان انبیای دیگر الهی به احکام و اوصافی مٹصف است که تنها به ایشان اختصاص دارد:

**الف:** رفتن به آسمان ها نزد الله (سبحانه و تعالی) به سدره المنتهی در شب اسراء و معراج، که حتی جبریل امین (بزرگ فرشتگان و صادق و امین وحی) نیز به این مکان نتوانست همراه شان برود.

**ب:** ولی و حبیب خداوند و دارای مقام بلند مرتبه والا نزد خداوند، که الله (سبحانه و تعالی) به زندگی و عمر ایشان سوگند می خورد.

**پ:** خاتم الأنبیاء، که الله (سبحانه و تعالی) وی را خاتم النبیین قرار داد و آخرین مکاتب و سروش خود را برای گروه آدمیان، با مهر نبوت او (صلی الله علیه وسلم) ختم کرد.

**ت:** بنده ی مطلق و کامل ترین فرد در همه عصرها، اولین مسلمان و نخستین مؤمن به حسب درجه و مقام. مکتوب بودن نام او در لوح المحفوظ، کُتب آسمانی، انجیل و تورات و به ویژه قرآن کریم.

**ث:** شفیع تمام مخلوقات است برای حشرو حساب در میدان محشر، در حالیکه تمام انبیاء نفسی نفسی می کنند. این ویژگی ها نشان می دهند که دیگر پیامبران الهی به این ویژگی مٹصف نشده اند. پس این است که کوردی خود را جای سگ در آستانه اش می شمارد تا شافعی شود.

۲) مصداق واقعی اشرف مخلوقات و انسان کامل؛ شخص ایشان است که می تواند الگوی برتر کسب کمال، برای همه ی انسان ها در همه ی دوره ها باشد، که کوردی نیز پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) را به اشرف مخلوقات، نجات دهنده و فریادرس انسانیت می داند، که جهان را از نادانی و جهل و ظلم و تاریکی نجات داد.

۳) وجود رسول الله آیینی ی تمام نمای شادکامی برای آدمیان است، که کوردی وی (صلی الله علیه وسلم) را برای عاشقان و دوستان مایه ی خوشحالی و شادمانی و نصرت می داند. که با آمدن رسول الله (صلی الله علیه وسلم) خفت و سرافکنندگی برداشته شد، بت پرستی از بین رفت و هردو عالم آدمیان نورانی گشت. این معنای همان مٹت است که خداوند بر مؤمنین نهاده است و با بعثت چنین وجود پُر خیر و برکتی به هدایت آنها پرداخته است. از سویی، وجود مبارک آن بزرگوار (صلی الله علیه وسلم) همان رحمتی است که حضرت حق برای جهانیان قرار داده تا هر انسانی بتواند از فیض او بهره گیرد. کوردی نیز تمام امیدش به پیامبر اکرم است و آن را مایه ی امید هردو عالم می داند.

۴) نقطه دیگر و اصلی ای که سبب سرودن اشعار فارسی شاعر شده:

**الف:** محبت و علاقه ی شاعر است به رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) که به درجه ای رسیده است که شیفته ی دیدار وی شده است و می گوید: اگر من در قیامت هم به دیدارت برسم و شما را ملاقات کنم، برای من کافی است، اگر تنها نسیب من از بهشت این باشد.

**ب:** محبت کوردی به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) به مقامی رسیده است، که کوردی وی (صلی الله علیه وسلم) را در یک تشبیه تفضیل؛ چنین ستایش می کند که با برپا شدن قامت پر نور و درخشنده ی حبیب الله (صلی الله علیه وسلم) در روز رستاخیز، قامت طوبی خم شده، و شرمگین خواهد شد. همچنین محبت خود را با وی مانند عشق لیلی و مجنون تشبیه می کند.

**پ:** کوردی برای رسیدن به دیدار محبوب و لقای قامت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) از خداوند متعال دعا می کند و می خواهد که این خواسته اش را برآورده کند و دل تشنه از فراقش را سیراب کند.

ت: کسانی که در دنیا مطیع و فرمانبردار رسول الله (صلی الله علیه وسلم) و دوستدار وی (صلی الله علیه وسلم) هستند و در جامعه، مردم به چشم تحقیر به ایشان نگاه می کنند؛ نزد خداوند متعال دارای مقام و درجات بلند و موجب عنایت خداوند می شوند و صاحب بهشت جاویدان خواهند شد.

۵) کوردی در اشعار فارسیش مانند شاعران دیگری که به شکل و شمایل و صفات برجسته و جسمانی رسول الله (صلی الله علیه وسلم) بیشتر اهمیت داده اند، نپرداخته، بلکه به جنبه های معنوی و شخصیت فاضل وی (صلی الله علیه وسلم) مانند یک نجات دهنده و رستگار گروه آدمی در عالم مادی به عالم برزخ و معنوی است، پرداخته است.

### منابع:

- القرآن الکریم.

### منابع کوردی:

- ۱) کوردی، مصطفی بیگ (۲۰۱۰م)، دیوانی کوردی، لیکۆلینه وهی موحه مه مد مسته فا حه مه بۆر، بهرگی دوه م، چاپی به که م، هه ولیر، چاپخانه ی ئاراس.
- ۲) کوردی، مصطفی بیگ (۱۳۹۸) دیوانی کوردی، ساغکردنه وهی محمد مسته فا، سقز: انتشارات خان.
- ۳) سجادی، سید عبدالحمید (۱۳۷۵) شاعران کرد پارسی گو، تهران: نشر احسان.
- ۴) پشتیوان کامل، (۲۰۰۷) تنها محمد، هه ولیر: چاپخانه ی رۆشنبیری.
- ۵) پیره میرد (۲۰۱۲) دیوانی پیره میرد-کۆکردنه وهی په راویز نویسی محمد رسول-سلیمانی: چاپخانه ی شقان.
- ۶) حه مدی، ئه حه مد فه تاح (۲۰۱۱) دیوانی شیعی حه مدی، سلیمانی: چاپخانه ی شقان.
- ۷) طاهریگ جاف (۲۰۱۱) دیوانی تاهیر به گی جاف، کۆکردنه وهی وساغ کردنه وهی وئاماده کردنی: حسن گۆران، سلیمانی: ده زگای رۆشنبیری گۆران.

۸) مه لا سألح شیخی (۱۳۹۲) گۆلزاری کوردستان، سنه: شیخی.

۹) نامی، عبدالکریم مدرس (۱۴۰۲ هجری) مه ولودنامه، سنه: انتشارات کردستان.

۱۰) شیخ محمدی خال (۱۳۹۴) مه ولودنامه ی نه وئه سه ریا تاریخی پیغه مبه ر، سنندج: انتشارات کردستان.

### منابع فارسی:

۱) الهی قمشه ای، مهدی. (۱۳۸۰) ترجمه قرآن. قم: انتشارات فاطمة الزهراء.

۲) سعدی، شیخ مصلح الدین (۱۳۶۲)، کلیات سعد، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: نشر طلوع.

۳) حافظ شیرازی، خواجه شمس الدین محمد (۱۳۸۳)، دیوان اشعار، براساس نسخه ی غنی و قزوینی، مشهد: انتشارات عروج اندیشه.

۴) ولی، شاه نعمت الله (۱۳۹۳) دیوان اشعار شاه نعمت الله ولی، مصحح عزیزالله علیزاده، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۹۳.

۵) بویل، جان اندرو (۱۳۸۷). تاریخ ایران کمبریج؛ از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلیخانان. ۵. (ترجمه فارسی حسن انوشه) تهران: انتشارات امیر کبیر.

### منابع عربی:

۱) مسلم بن الحجاج (۵۱۳۰ه) صحیح المسلم، دار الخلافة العلیة فی الطبعة الاولی بالمطبعة العامره.

- ٢) محمد بن إسماعيل البخاري (٢٠٠٨) صحيح البخاري، لبنان \_ بيروت: دار ابن كثير.
- ٣) محمد بن اسماعيل البخاري (٥١٤٠٣) صحيح البخاري (كتاب المناقب)، قاهره: المطبعه السلفيه و مكتبها.
- ٤) الالباني، محمد ناصر الدين (٥١٤٠٨) صحيح الجامع الصغير، بيروت، المكتب الاسلامي.
- ٥) قاسمي، محمد جمال الدين (١٤١٨ هـ). محاسن التاويل معروف به تفسير قاسمي. بيروت: دار الكتب العلميه.
- ٦) طنطاوي، محمد سيد. (١٩٩٨ م). التفسير الوسيط للقرآن الكريم. قاهره: دار نهضة مصر للطباعة و النشر و التوزيع.
- ٧) ليو تولستوى (٢٠١٤) حكم النبي محمد، مصر (القاهره): مؤسسه هنداوى للتعليم والثقافه.
- منبع انترنتى:
- ١) موقع إسلام ويب الإلكتروني ([www.islamweb.net/mainpage/index.php](http://www.islamweb.net/mainpage/index.php)).